

نویسنده: م.ک. بهادرا کمار «M.K.Bhadrakumar».
منبع و تاریخ نشر: اندیا پانچیلا «2026-03-20».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

مسیر خروج از ایران در حال ناپدید شدن است، اما ایالات متحده همچنان از درگیری طولانی مدت بیزار است

Off-ramp in Iran is disappearing but US remains averse to prolonged conflict



آتش سوزی پس از حمله هوایی در یک انبار نفت در تهران

کمتر از سه هفته پس از تجاوز علیه ایران از ۲۸ فوریه، که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، آن را «گشت و گذار کوچک» نامید، جنگ سناریویی را در پیش گرفته است که دقیقاً بر عکس آنچه او تصور می‌کرد، است.

روز سه‌شنبه، ترامپ اعلام کرد: «ما در آینده نزدیک - تقریباً در آینده‌ای بسیار نزدیک - آنجا را ترک خواهیم کرد.» در واقع، اکسیوس روز قبل به نقل از یک مقام آمریکایی و «منبعی آگاه از موضوع» گزارش داد که «کانال ارتباطی مستقیم بین استیو ویتکوف، فرستاده ایالات متحده، و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در روزهای اخیر دوباره فعال شده است.» [البته عراقچی به سرعت این خبر را تکذیب کرد.]

برعکس، اسرائیل تمام تلاش خود را می‌کند تا مطمئن شود که جنگ «زودهنگام» پایان نمی‌یابد. ترجیح ترامپ این بود که معادل دلسی رودریگز، معاون سابق نیکولاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا، در تهران ظهور کند - یک رهبر بسیار عملگرا. اما بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر، ایده‌های دیگری دارد.

او این جنگ را به عنوان یک جنگ صلیبی برای تحقق رویای صهیونیستی هژمونی بر خاورمیانه مسلمان می‌بیند. اهدافی که ترامپ دنبال می‌کرد هرگز واقعاً شفاف یا با اهداف نتانیا هو مطابقت نداشت.

ماموریت اسرائیل به هیچ وجه کامل نیست. استراتژی بی‌رحمانه سر بریدن، وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است. در انتظار اسرائیل، پس از کشته شدن مقامات ارشد رهبری ایران در یک حمله، رژیم به سادگی سقوط خواهد کرد. اما اوضاع به این شکل پیش نرفت.

در حالی که ترامپ موفقیت جنگ را در مقیاس تخریب فیزیکی ناشی از حملات هوایی ایالات متحده به ساختمان‌های دولتی، پارک‌ها، مدارس، پل‌ها، آبگذرها، بیمارستان‌ها، پایگاه‌های نظامی و غیره می‌سنجد. و او دلیلی برای احساس رضایت دارد. او می‌گوید دیگر هیچ هدفی برای حمله در ایران باقی نمانده است و اگر بخواد می‌تواند در عرض یک ساعت برق سراسر ایران را مختل کند.

اما ماتریس نتانیا هو کاملاً متفاوت است. نارضا یی او این است که تهران هنوز بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا و ذخایر عظیمی از موشک‌ها و پهپادها را در اختیار دارد. رژیم ایران هنوز پابرجاست و هیچ نشانه‌ای از شورش وجود ندارد؛ در واقع، ایرانی‌ها از قبل شرایط صلح را دیکته می‌کنند - حق غنی‌سازی، غرامت جنگ، ضمانت‌های امنیتی، لغو تحریم‌ها و غیره.

برخلاف ترامپ که تحت فشار فزاینده داخلی برای پایان دادن به جنگ است، نتانیا هو از اینکه جنگ ایران در بین مردم اسرائیل «محبوب» است، ابراز رضایت می‌کند، که حتی به او کمک می‌کند تا در انتخابات آینده کنست، یک دوره جدید نمایندگی را تضمین

کند. در مجموع، از دیدگاه نتانیا هو، این جنگ را نمی‌توان تا زمانی که بسیاری از کارهای ناتمام هنوز انجام نشده‌اند، لغو کرد. و نتانیا هو عادت دارد که طبق معمول به خواسته‌های خود عمل کند.

دو رویداد این هفته نشان می‌دهد که نتانیا هو اکنون بر مسدود کردن مسیرهای ترامپ برای آتش‌بس و مذاکرات بعدی با ایران متمرکز است. اولین اقدام در روز سه شنبه، ترور علی لاریجانی، یک مقام ارشد امنیتی در تهران بود که روز بعد با بمباران میدان گازی پارس جنوبی ایران دنبال شد. حذف لاریجانی از صحنه‌ی اصلی عملاً تضمین می‌کند که هیچ مقام ارشد ایرانی اکنون جرأت نخواهد کرد که به عنوان طرف مذاکره در میز مذاکره دیده شود، مبادا که خود را در تیررس موساد بیابد. از سوی دیگر، حمله به میادین گازی پارس جنوبی، بُعد جدیدی از جنگ راباشتاب خاص خودپیامدهای عمیق جهانی ایجاد می‌کند.

پاتریک وینتور، سردبیر دیپلماتیک روزنامه گاردین، در یک آگهی ترحیم تأثرانگیز، لاریجانی را به عنوان «محور اصلی» سیاست ایران توصیف کرد که در سطوح مختلف سیاست حضور داشت و از چنان نفوذ شخصی عظیمی در ایران و سطح بین‌المللی برخوردار بود که عملاً غیرقابل جایگزین است. وینتور نوشت: در جعبه پاندورا که جنگ باز کرد، لاریجانی اعتبار منحصر به فردی داشت که «در صورت فروپاشی یا در واقع تسلیم شدن دولت، رهبر جایگزین ایران باشد».

همانطور که الی گرانمایه، کارشناس ایران در شورای روابط خارجی اروپا، به وینتور گفت: «نتانیا هو اکنون بر مسدود کردن مسیرهای ترامپ برای آتش‌بس و مذاکرات بعدی با ایران متمرکز است. لاریجانی می‌توانست این کار را انجام دهد.»

حالا، وقتی صحبت از حمله اسرائیل به میادین گازی پارس جنوبی در روز چهارشنبه می‌شود، ترامپ ادعا می‌کند که نتانیا هو او را در مورد آنچه که انجام داده بی‌خبر نگه داشته است. انجام هرگونه بررسی واقعیت غیرممکن است. اما ترامپ یک پست ظریف در Truth Social نوشت که در آن اظهار داشت که ایالات متحده یا قطر یا خودش هیچ اطلاع قبلی از عملیات اسرائیل نداشته‌اند و در ادامه اعلام کرد که چنین حملاتی از سوی اسرائیل در آینده رخ نخواهد داد. ترامپ در پایان خواستار آن شد که ایران نباید تلافی کند. با این حال، ایران با هدف قرار دادن راس لفان قطر، یکی از مهمترین مراکز گاز طبیعی مایع در جهان، تلافی کرد.

اسرائیل ممکن است یک بحران منطقه‌ای چندلایه را آغاز کرده باشد که در شرف فوران بود، بحرانی که دیگر تنها به دارایی‌های نظامی محدود نخواهد شد، بلکه مستقیماً بر سیستم‌هایی که زیربنای ثبات اقتصادی در سراسر خلیج فارس هستند نیز تأثیر می‌گذارد و پیامدهای منطقه‌ای گسترده‌تری از ثبات رژیم را به همراه دارد که نمی‌توان تنها از طریق کانال‌های دوجانبه به آن پرداخت.

ریاض یک نشست سطح بالای وزیران را با اتحاد کشورهای عرب و مسلمان، از جمله کشورهای خلیج فارس، به علاوه مصر، اردن، ترکیه، پاکستان و دیگران، تشکیل داد که در بیانیه‌ای مشترک، نشان‌دهنده تغییر به سمت مشروعیت بخشیدن به واکنش‌های احتمالی در عین حفظ تعهد رسمی به کاهش تنش و تأکید بر اینکه احترام به حاکمیت و عدم مداخله در هرگونه تعامل آینده با تهران محوری خواهد بود، بود.

عربستان سعودی نیز به طور جداگانه نشان‌دهنده تغییر به سمت مشروعیت بخشیدن به واکنش‌های احتمالی در عین پایبندی به تعهد رسمی به کاهش تنش و تأکید بر هماهنگی و مشورت مداوم بین کشورهای شرکت‌کننده بود.

نکته اصلی این است که موضع اصلی کشورهای خلیج فارس در قبال ایران اساساً تغییر نکرده است - حفظ گفتگو در عین تقویت بازدارندگی - اما شرایطی که تحت آن عمل می‌کند به سرعت در حال تغییر است. واضح است که قبل از هرگونه اقدام اساسی در جهت توسعه یک «نیروی ناتو مانند» به عنوان یک نیروی بازدارنده جایگزین برای چتر امنیتی ایالات متحده که مشخص شد بی‌فایده است، باید ابتدا بر مشکل جدی اقدام جمعی منطقه خلیج فارس غلبه کرد.

اهمیت مشارکت پاکستان (این لوده توی... توسط این قلم) همچنان نامشخص است و می‌توان آن را به عنوان تفکر نوپای مربوط به یک اتحاد نظامی رسمی مبتنی بر «مشارکت اسلامی» که هماهنگی استراتژیک فراتر از منطقه خلیج فارس را برای مهار ایران در نظر می‌گیرد، تفسیر کرد. همین بس که بگوییم، تمرکز اسرائیل بر انرژی و زیرساخت‌ها به عنوان الگوی جدیدی از جنگ، به هیچ وجه تصادفی نبود.

با این وجود، در چنین سناریوی نگران‌کننده‌ای، در چیزی که تنها می‌توان آن را به عنوان یک ژست آشتی‌جویانه نسبت به تهران تلقی کرد، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، دیروز به آرامی (البته با تأیید ترامپ) یک ایده جنجالی را مطرح کرد که «در روزهای آینده، ممکن است نفت ایران را که روی آب است، لغو تحریم کنیم. این حدود ۱۴۰ میلیون بشکه است. این حدود ۱۰ روز تا دو هفته عرضه‌ای است که ایرانی‌ها به بیرون می‌فرستادند و همه آن به چین می‌رفت. در اصل، ما از بشکه‌های نفت ایران علیه ایرانی‌ها استفاده خواهیم کرد تا قیمت را برای ۱۰ تا ۱۴ روز آینده پایین نگه داریم.»

این اقدام احتمالاً تأثیر محدودی بر قیمت‌ها خواهد داشت، اما اگر به مرحله اجرا درآید، نشان‌دهنده یک تغییر چشمگیر در سیاست دیرینه آمریکا است، زیرا ایالات متحده به ایران اجازه می‌دهد نفت را با قیمت‌های بازار بفروشد و کاملاً می‌داند که تهران از این فروش سود خواهد برد. این یک لحظه تعیین‌کننده است

----- **با تقدیم احترامات** «24-03-2026»

